

نیما احمدپور

حزب توده ایران در عداد احزاب و تشکل‌های قدیمی و نسبتاً کامیاب در ایران معاصر به شمار می‌رود. این تجربه تشکیلاتی گسترده، از جنبه‌های گوناگون در خور خوانش و تحلیل است. در مقالی که در پی می‌آید، بخش‌ها و شاخه‌های گوناگون این حزب، به شماره و تحلیل آمده‌اند. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.



حزب توده ایران به عنوان تشکلی که از تجربیات سیاسی و امنیتی جریان چپ در جهان به‌ویژه حکومت شوروی سابق بهره می‌برد، در راستای تحقق منویات اجتماعی خویش، به تأسیس گروه‌های زیرمجموعه متعددی دست زد. این شاخه‌ها که بعدها نتایجی نمایان را برای این تشکل رقم زدند، به شرح ذیل هستند:

شاخه نظامی حزب توده، چندوچون فعالیت و کارنامه

بر اساس برخی اسناد و روایات، سازمان نظامی حزب توده در سال ۱۳۲۲ توسط سرهنگ سیامک، سرگرد اسکندانی، سرگرد میشری، سرگرد آذر، سرگرد خامنی و سروان روزبه و به روایت دیگری در سال ۱۳۲۳ توسط سرهنگ عزت‌الله سیامک، سروان خسرو روزبه و عبدالصمد کامبخش پایه‌ریزی شد. هیئت اجرایی آن هم سرهنگ عبدالرضا محمدعلی آذر، سروان محمدباقر آگهی، سروان خسرو روزبه، سروان یوسف مرتضوی، ستوان عبدالحسین آگاهی، ستوان هوشنگ طفرایی، ستوان احمدعلی رصدی اعتماد بودند. عبدالصمد کامبخش هم رابط هیئت اجرایی با کمیته مرکزی حزب بود. در مرداد سال ۱۳۲۴ در خراسان قیامی با رهبری سران سازمان نظامی حزب توده انجام شد که شکست خورد و عده‌ای از اعضای آن کشته شدند. هیئت دبیران سازمان نظامی که متشکل از سیامک، روزبه، سرهنگ محمد میشری، سرگرد جعفری و کیلی و سه تن دیگر بود، در آذر سال ۱۳۲۵ تصمیم گرفتند این سازمان را منحل کنند. روزبه این اقدام حزب را اخراج افسران از حزب و خیانت تلقی کرد و به عنوان مسئول تشکیلات سازمان نظامی در سال ۱۳۲۶ همراه با برخی از اعضای هیئت اجرایی سازمان افسران آزادی‌خواه را بنیان نهاد. این سازمان در سال ۱۳۲۷ با حزب توده ائتلاف کرد و دو سه سال بعد در حزب ادغام شد. برخی از منابع تأسیس غیررسمی سازمان نظامی را در سال ۱۳۳۲ و رسمی شدن آن را در سال ۱۳۳۹ اعلام کرده‌اند. سازمان افسران حزب توده توسط رژیم محمدزاشاهی کشف شد و حدود ۲۰۰ تن از اعضای آن که متشکل از افسران ارتش، ژاندارمری و شهریانی بودند دستگیر شدند. در برخی از اسناد این تعداد ۴۰۹ نفر یا ۵۰۰ نفر ذکر شده است. ۳۱ تن از افسران دستگیر شده اعدام و بقیه به زندان‌های ابد یا طولانی مدت محکوم شدند. در میان اعدام‌شدگان نام شاعر جوان مرتضی کیوان هم که عضو غیرنظامی حزب بود دیده می‌شود. حزب توده غیر از سازمان نظامی یا سازمان افسران تشکیلات نظامی دیگری به نام سازمان درجه‌داران هم داشت که قبل از کودتای سال ۱۳۳۲ تشکیل شده بود و امان‌الله قریشی، رحمت‌الله جزینی و اکبر شاندزمنی مسئول آن بودند.

شاخه کارگران حزب توده، چندوچون فعالیت و کارنامه

در تابستان سال ۱۳۲۱ شورای کارگران متحد که نخستین تشکیلات کارگری مرتبط با حزب توده بود اعلام موجودیت و در تابستان سال بعد اولین کنفرانس خود را برگزار کرد. مهم‌ترین اعضای این تشکیلات عبارت بودند از: حسین جودت، رضا روستا، ابراهیم مضری، انورخامه‌ای، حسین جهانی، اردشیر آوانسیان، محمد فرجامی، صمد حکیمی، علی شاندزمنی، غلامعلی بازاده، قازار سیمونیان، رضا ابراهیم‌زاده، مهدی کی‌کرام.

در بهار سال ۱۳۲۳، ۱۶۰۰ کارواپه وابسته به حزب توده با صدها هزار عضو و چهار فدراسیون کارگری مرتبط با این حزب در یکدیگر ادغام شدند و شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران را تشکیل دادند و روزنامه «ظفر» راگان این شورا را مدیریت رضا روستا منتشر شد. گاهی هم روزنامه «بشر» با مدیریت امتیاز نورالدین کیانوری و سردبیری جلال آل احمد در به‌جای روزنامه ظفر منتشر می‌شد. پیش از این در سال ۱۳۲۱، اتحادیه کارگران و برزگران به رهبری یوسف افتخاری تشکیل شده بود که با تشکیل شورای متحده مرکزی یا تشکیلات کارگری عده‌ای از اعضای آن به شورای متحده پیوستند. اما افتخاری و چند تن دیگر همچنان تشکیلات کارگری مستقل خود را حفظ کردند. تشکیلات کارگری حزب توده طی یک دهه از سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۳۲ در سراسر کشور صدها اعتصاب را سازماندهی کرد و گاهی هم به موفقیت‌هایی دست یافت، از جمله اعتصاب ۶۵ هزار نفری کارگران در خوزستان در ۲۲ تیر سال ۱۳۲۵ که بزرگ‌ترین اعتصاب صنعتی ایران و یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات‌ها در خاور میانه بود. این شورا به روایتی ۲۰۹ هزار و به روایت دیگر ۳۳۵ هزار نفر عضو داشت و از نظر فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری تنها سازمان کارگری ایران بود. اتحادیه‌های کارگری دیگر، از جمله اتحادیه دهقانان و کارگران هوادار سیدضیاء، اتحادیه کارگران و برزگران یوسف افتخاری، اتحادیه سندیکاهای کارگران و کشاورزان ایران وابسته به حزب دموکرات ایران به رهبری قوام‌السلطنه با اتحادیه کارگری حزب توده رقابت می‌کردند، اما به هیچ‌وجه در بین کارگران گسترده‌گی و نفوذ نداشتند.

شاخه جوانان حزب توده، چندوچون فعالیت و کارنامه

سازمان جوانان حزب توده در اول فروردین سال ۱۳۲۲ به رهبری رضا رادمنش، محمد بهرامی، حسین جودت و عبدالحسین نوشین تشکیل شد. دبیری سازمان را به ترتیب نادر شرمینی، علی متقی و احمد سمیعی به عهده داشتند. از رگان مرکزی سازمان جوانان با امتیاز و مدیریت رضا کشاورز و با عنوان «وزم» منتشر می‌شد. همچنین نشریات ایندگان، حقیقت پیروز می‌شود، مردم برای جوانان، رهبر جوانان، صلح پایدار، جوانان روستا، جوانان دموکرات

حزب توده در مهر سال ۱۳۲۳ سازمان دهقانی وابسته به خود را تحت عنوان اتحادیه دهقانان به وجود آورد، از جمله برنامه‌های این اتحادیه باز خرید املک بزرگ و تقسیم بلاعوض آنها در بین دهقانان کم‌زمین یا بی‌زمین، تقسیم بلاعوض زمین‌های خالصه و از همه مهم‌تر لغای روابط ارباب و رعیتی موجود بود.

شاخه زنان حزب توده، چندوچون فعالیت و کارنامه

در تیرماه سال ۱۳۲۲ تشکیلات زنان ایران وابسته به حزب توده راهاندازی شد. در همین سال تشکیلات دیگری به نام جامعه زنان برای ساماندهی هواداران حزب تأسیس شد. در سال ۱۳۲۸ این دو تشکل جای خود را به تشکیلات دموکراتیک زنان دادند. ظاهراً مریم فیروز، همسر کیانوری، دبیر این تشکیلات بود. اعضای سازمان و تشکیلات زنان حزب توده اغلب از اقوام رهبران حزب یا فعالان انجمن نسوان وطن‌خواه وابسته به حزب سوسیالیست بودند که در اواخر عصر قاجار راهاندازی شده بود. برخی از چهره‌های شاخص این تشکیلات عبارت بودند از: مریم فیروز همسر کیانوری، زهرا اسکندری (بیات) خواهر سلیمان مرزا، دکتر اختر کامبخش خواهر کیانوری و همسر عبدالصمد کامبخش، دکتر خدیجه کشاورز همسر فریدون کشاورز، بدرالملوک علوی خواهر بزرگ‌علوی، لرتا همسر عبدالحسین نوشین، صدیقه امیرخیزی همسر علی امیرخیزی، عالیه شرمینی مادر نادر شرمینی، هما هوشمند، شاه‌زنان وزیری، مهرانگیز و تاج‌الملوک اسکندری.

در سال ۱۳۲۵ اتحادیه زنان زحمتکش به تشکیلات زنان ایران پیوست و در همان سال به عضویت فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان در آمد و نام خود را به تشکیلات دموکراتیک ایران تغییر داد. این تشکیلات در بهمن سال ۱۳۲۷ همراه با حزب توده غیرقانونی اعلام و مجله «بیداری ما» تعطیل شد. این سازمان در همان سال عضو فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان شد. در این سال تشکل‌های جمعیت حمایت از کودک و شورای مادران هم به وجود آمدند. فعالیت‌های سازمان زنان با وقوع کودتای ۲۸ مرداد متوقف شدند و با پیروزی انقلاب اسلامی تحت عناوین جدیدی شروع به فعالیت کردند.

شاخه جوانان حزب توده، چندوچون فعالیت و کارنامه

سازمان جوانان حزب توده در اول فروردین سال ۱۳۲۲ به رهبری رضا رادمنش، محمد بهرامی، حسین جودت و عبدالحسین نوشین تشکیل شد. دبیری سازمان را به ترتیب نادر شرمینی، علی متقی و احمد سمیعی به عهده داشتند. از رگان مرکزی سازمان جوانان با امتیاز و مدیریت رضا کشاورز و با عنوان «وزم» منتشر می‌شد. همچنین نشریات ایندگان، حقیقت پیروز می‌شود، مردم برای جوانان، رهبر جوانان، صلح پایدار، جوانان روستا، جوانان دموکرات



حزب توده همواره ادعا کرده که در شکل‌گیری کنفدراسیون سپه‌عمده داشته، اما واقعیت این است که کنفدراسیون در فروردین سال ۱۳۲۹ توسط دانشجویان هوادار جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا، یعنی طرفداران خلیل ملکی راهاندازی شد و فعالان بعدی آن هم اکثرآز مخالفان حزب توده یا هواداران گروه‌های انشعایی از حزب توده بودند



نظری بر کارکرد بخش‌ها و شاخه‌های حزب توده در ایران معاصر

سودای حزب پدر خوانده برای فریب اقبال گوناگون جامعه

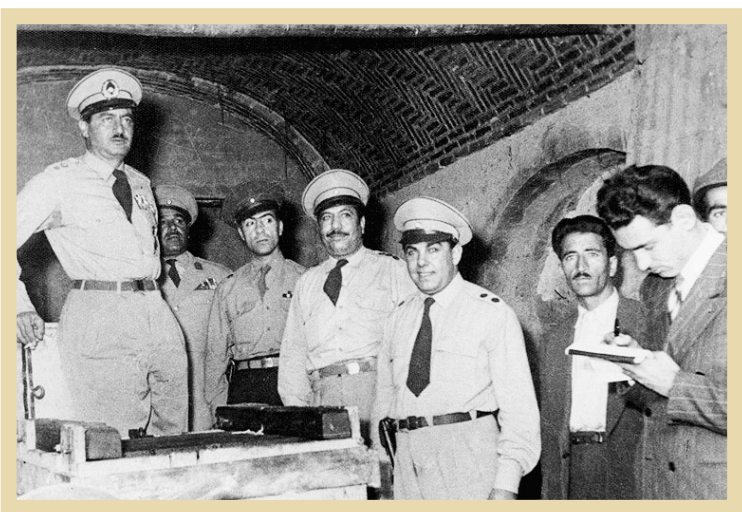
و نیز رزم آذینه به مدیریت فخرالدین میر مضانی و سردبیری احسان طبری منتشر می‌شدند. سازمان جوانان حزب توده یکی از بنیانگذاران فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، یعنی بزرگ‌ترین سازمان جهانی جوانان بود که در ۱۵ بهمن سال ۱۳۲۷ همراه با حزب توده غیرقانونی اعلام شد.

حزب توده در سال ۱۳۳۰ کانون جوانان دموکرات ایران را با سردبیری احمد کوچک شوشتری تشکیل داد و مجله هفتگی جوانان ایران را منتشر کرد. این حزب توده در چند دانشجو اتحادیه دانشجویان سال تحصیلی ۱۳۲۴-۱۳۲۳ دانشجویان عضو راه‌اندازی شده بود. برخی از چهره‌های شاخص این تشکیلات عبارت بودند از: مریم فیروز همسر کیانوری، زهرا اسکندری (بیات) خواهر سلیمان مرزا، دکتر اختر کامبخش خواهر کیانوری و همسر عبدالصمد کامبخش، دکتر خدیجه کشاورز همسر فریدون کشاورز، بدرالملوک علوی خواهر بزرگ‌علوی، لرتا همسر عبدالحسین نوشین، صدیقه امیرخیزی همسر علی امیرخیزی، عالیه شرمینی مادر نادر شرمینی، هما هوشمند، شاه‌زنان وزیری، مهرانگیز و تاج‌الملوک اسکندری.

در سال ۱۳۲۵ اتحادیه زنان زحمتکش به تشکیلات زنان ایران پیوست و در همان سال به عضویت فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان در آمد و نام خود را به تشکیلات دموکراتیک ایران تغییر داد. این تشکیلات در بهمن سال ۱۳۲۷ همراه با حزب توده غیرقانونی اعلام و مجله «بیداری ما» تعطیل شد. این سازمان در همان سال عضو فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان شد. در این سال تشکل‌های جمعیت حمایت از کودک و شورای مادران هم به وجود آمدند. فعالیت‌های سازمان زنان با وقوع کودتای ۲۸ مرداد متوقف شدند و با پیروزی انقلاب اسلامی تحت عناوین جدیدی شروع به فعالیت کردند.

شاخه دانشجویی خارج از کشور حزب توده، چندوچون فعالیت و کارنامه

حزب توده در میان دانشجویان ایرانی خارج از کشور هم فعال بود و در فروردین سال ۱۳۲۲ تشکلی به نام سازمان دانشجویان ایرانی مقیم آلمان با گرایش به حزب توده تشکیل شد. هواداران حزب توده در فرانسه هم جامعه دانشجویان ایرانی مقیم آن کشور را به وجود آوردند. طرفداران نیروهای ملی و نیروی سوم هم در فرانسه اتحادیه دانشجویان ایرانی راه‌اندازی کردند، اما فعال‌ترین و فراگیرترین تشکیلات سراسری دانشجویان ایرانی خارج از کشور از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۵۰ کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی بود که در مخالفت با حزب توده شکل گرفت. حزب توده همواره ادعا کرده که در شکل‌گیری کنفدراسیون



۱۳۳۲. نمایان از دانش‌آموزان نظامی حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد

پیش‌خواب

حاشیه‌ای بر انتشار خاطرات مضبوط مرکز تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد از شاپور بختیار

طوفان زده!

محمدرضا کائینی



تاکنون آثاری چند اعم از خاطرات و نیز تحلیل و بررسی زندگی سیاسی شاپور بختیار در داخل و خارج از ایران به چاپ رسیده است و اثری که هم‌اینک در باب آن سخن می‌رود، در زمره آنهاست. این کتاب مجموعه گفت‌و‌شنوده‌های او با پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد است که چندان از نظم و نسق یک مصاحبه پژوهشی برخوردار نیست، اما به نیکویی وضعیت روحی و عصبی وی را به گاه ضبط خاطرات نشان می‌دهد. در صدر این مجموعه گفت‌وگوها، مقدمه‌ای وجود دارد که نقل‌شده‌ای از آن، ما را از توضیح بیشتر پیرامون مختصات این مجموعه گفت‌وگوها بی‌نیاز می‌سازد:

«شاپور بختیار نامی آشنا برای آنانی است که ماه‌های آخر عمر رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی را درک کرده‌اند. آنها خوب به یاد دارند که در آن ماه‌ها و روزها طوفان سرکش انقلاب با قدرت تمام به پیش می‌تاخت و همه موانع را از سر راه کنار می‌زد و دیگر بر همه مسلم و قطعی شده بود که شاه رفتنی و رژیم افتادنی است. در آن شرایط که همه یک‌صدا به شاه و حکومتش نه می‌گفتند، شاپور بختیار به کمک شاه شفافیت و با اشتیاق پندیری نخست‌وزیری شد. پست و مقامی که دیگر تقریباً هیچ خریداری نداشت. بختیار با این اقدام عجیب خویش نشان داد که سخت‌دلیسته قدرت است، اگرچه این قدرت فقط روی کاغذ باشد یا رودرروی اکثریت قریب



دی ۱۳۵۷. نمایان از جلسه رای اعتماد به شاپور بختیار در مجلس شورای ملی

به اتفاق مردم و حتی هم‌مسلمانان سیاسی قرار بگیرد. او بدون تردید می‌دانست مردان میدان نیست و کاری از او بر نمی‌آید، اما با این همه دم را غنیمت شمرد و نام خود را در شمار نخست‌وزیران ایران ثبت کرد. به‌زودی شعارهای ضدبختیار به سایر شعارهای انقلابی مردم اضافه شد و او را مضحکه عام و این جمعیت «شهباز» با مدیریت رحیم نامور عضو هیئت سیاسی سه نفره رهبری جمعیت و سردبیری ذبیح‌الله صفا منتشر می‌شد. از دیگر نشریات این جمعیت می‌توان به راه آینده، زندگی خلق، ندای خلق، خلع سلاح و آذربایجان غیور اشاره کرد.

حزب توده در آذربایجان هم انجمنی را توسط علی شیبستری، از رهبران محلی حزب توده تشکیل داد. وی سردبیری روزنامه دو زبانه «آذربایجان» یا «تاهم آذربایجان» هم بود. این انجمن در شهریور سال ۱۳۲۴ به فرقه دموکرات آذربایجان پیوست و روزنامه آن را رگان رسمی فرقه دموکرات در سال ۱۳۴۰ حزب توده با همکاری فرقه دموکرات آذربایجان برای سازماندهی امور فراقه‌ای پناهندگان ایرانی در شهرهای مختلف شوروی جمعیت پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم شوروی را در مسکو تشکیل داد.

روایت‌کنندگان حاکی است ۲۱ درصد آنان ۷۵ سال یا بیشتر و ۵ درصد کمتر از ۴۵ سال داشتند. جوان‌ترین روایت‌کننده یکی از رهبران پیشین سازمان چریک‌های فدایی خلق بود که ۳۰ سال داشت و سالمندترین راوی که بیش از ۸۰ سال از عمرش می‌گذشت یکی از ملاکین سرشناس بود که زمانی نماینده مجلس و در دوره‌ای هم عضو هیئت دولت بود. بررسی محل تولد روایت‌کنندگان نشان می‌دهد از کل روابان ایرانی ۴۸ درصد در تهران، ۸ درصد در مشهد، ۶ درصد در اصفهان و ۳ درصد در رشت به دنیا آمده‌اند. پیش از آغاز نخستین جلسه مصاحبه، موافقت‌نامه رسمی بین روایت‌کننده و دانشگاه هاروارد به امضا می‌رسید. برای جلب حداکثر همکاری به روایان این امکان داده می‌شد که استفاده از خاطرات خود را برای مدتی محدود کنند. حدود ۶۰ درصد از روایت‌کنندگان برای خاطرات خویش محدودیتی تعیین نکردند. از باقی‌مانده مصاحبه‌ها ۱۱ درصد در طول حیات روایت‌کننده استفاده نخواهد شد و ۸ درصد نیز نقل قول مستقیم را به اجازه روایت‌کننده موکول کرده است.

در نخستین مرحله طرح‌بیم‌داشتیم کارمان به ضبط عقاید و سخنرانی‌های کسانی بینجامد که می‌خواهند خود را تیرنه کنند و تقصیر وقوع انقلاب را به گردن دیگران بیندازند. این‌ور در آغاز مصاحبه تأکید می‌کردیم در پی جمع‌آوری عقاید شخصی نیستیم و هدف اصلی ما ضبط خاطرات و تجارب است. تنها در موارد ویژه و بر حسب پرسش‌هایی که از پیش تنظیم شده بود از روایت‌کنندگان درخواست اظهارنظر می‌کردیم. مصاحبه‌ها بر حسب تمایل روایت‌کننده به زبان فارسی یا انگلیسی انجام می‌شد. از ۱۳۲ مصاحبه، ۱۲ موردان به زبان انگلیسی ضبط شده است...»

همانگونه که اشارت رفت، گفت‌و‌شنود با شاپور بختیار یکی از ده‌ها گفت‌و‌شنودی است که توسط پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد انجام شده است. در بخش‌هایی از دیباچه اثر خاطرات شاپور بختیار، درباره سبک کار در این پروژه چنین آمده است: «در شهریور ماه سال ۱۳۶۰ (سپتامبر